



پاییز

ویژه سالروز شهادت میرزا کوچک خان جنگلی

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی (ویژه سرداران و سردمداران)
دوره جدید/شماره ۱۱ آذر ۱۳۸۴ (پیاپی ۱۷) / بها ۱۵۰ تومان

کتابهای
سید علی
ان غمچه یادگار
در اسرار و رازین
شیرازی
ای حال ای حال
ای حال ای حال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ۴ چه خوش خو یا سنبله ما
چه سخت با مهمیز!
- ۶ تلاش برای میهن
- ۱۰ نهضت جنگل سد استعمار و استبداد
- ۱۲ بازشناسی يك انسان
- ۱۴ شعر

فهرست

من و رفقایم حال است که آلت دست آنها بشویم. عاری از شرف مردانم، کسی را که حقوق حاکمیت و استقلال مملکت را هدیه شغل و مقام کند. من استقلال ایران را خواهم و تعالی اعتبارات کشورم را طالبم. آسایش ایرانی و همه ابنای بشر را بدون تفاوت دین و مذهب شایقم. ما به شرافت زیست کرده ایم و با شرافت مراحل انقلابی را طی کرده ایم و با شرافت خواهیم مرد.

یاد یاران
 صاحب امتیاز:
 بنیاد شهید و امور ایثارگران
 مدیر مسئول: حسین دهقان
 سردبیر: عباس شاهه یار
 جانشین سردبیر: محمدعلی فقیه
 دبیر تحریریه: مسعود ملک یاری
 مدیر هنری: سعید باباوند
 صفحه آرا: مهیار علی زاده
 نشانی: تهران، خیابان آیت الله طالقانی، خیابان ملک الشعراء بهار
 (شمالی) شماره ۳ انتشارات شاهد-صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۴۳۴۸
 تلفن: ۸۸۸۳۵۱۰۸-۸۸۸۲۳۵۸۲
 دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۴۹
 E-Mail: shahedmg@yahoo.com
 www.shahedmag.com

شیر روی جلد
 اثر سکاگر ای جیفت
 منسجمه شهیدان طبع بهارادی
 در آستان شیر فروری به فریقا
 آن شهیدانی سرخ را بر باد دانی
 هوسنگ انجهاج

مردان
 سرور اول
 کسب و پیشه و ده
 ضروری با هزاران دست
 مکتب تیسب برون
 دشمنان بدبخت و ستمگر
 در هر کسب و پیشه
 قریب است
 یکبار
 میزان
 جای داره کسما
 مرز و ممالک
 مکتوبات مکتب
 باید بعنوان
 جنگ
 رده بزرگ
 گت نروفت شای
 این روزها هر قطره گام سب از خون ایرانیان و نور افکار بنیاد میان است

سرد مقاله



تاریخ پر فراز و نشیب ایران پر است از دلآوردی‌های مردان و زنانی که سینه به سینه شرح دلآوردی‌هایشان نقل شده و می‌شود. رشادت و پایمردی کسانی که شرحشان در کتاب‌های گوناگون تاریخی نقل شده است و مرور گاه گاه این حکایت‌ها برای جوانان و نوجوانان این مرز و بوم امری واجب و ضروری است.

ماهنامه «یاد باران» را برای شرح دلآوردی سرداران و سردمداران نهضت‌های اسلامی و ملی کشورمان در قالبی جدید و محققانه در نظر گرفتیم تا یادمان نرود که امروز به آسانی امروز نشده و دیروز کسانی بودند که از آسایش و نخون خود گذشتند تا امروزمان رنگی از سبیدی و آرامش به چهره داشته باشد. انتشار اولین شماره یاد باران با شکل او شمایل جدید در آذرماه، مصادف شد با سالگرد شهادت میرزا کوچک خان جنگلی، این شد که اولین شماره را به یکی از اولین‌ها در راه مبارزه با استعمار روسیه و انگلیس و استبداد داخلی اختصاص دادیم.

آنجا که شرح مبارزات و آزادی‌خواهانی چون «چه‌گوازا»، «ساندرز»، «مالکوم ایکس» و... با بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی گوناگون از مرزهای کشورشان فراتر رفته و شهرتی جهانی پیدا کردند و گاه عکس‌هایشان را روی لباس جوانان در چهارموی کره‌خاکی می‌توان دید، اجحاف و غفلت است اگر ما از اسطوره‌های آزادی‌خواه خودمان غافل باشیم.

در این قحط سال حماسه و ایثار در جهان باید اشاره‌ای هم داشته باشیم بر قهرمانان و اسطوره‌های پوشالی دنیای امروز، اسطوره‌هایی که نام و نشانشان را مدیون دنیای رسانه هستند و با خبری به اوج می‌رسند و با خبری به ذلت.

یادیاران برای معرفی مدرس‌ها، میرزاها، باکری‌ها و هزاران مبارزی است که یا با اسلحه یا با قلم و یا با سخن خود ظلم را برناتفتند و به پیشواز رفته‌اند. هر چه خطر را این مجموعه در ابتدای راه است و به زودی بخش‌های دیگری چون مقالات و پژوهش‌هایی به زبان‌های عربی و انگلیسی بر آن افزوده خواهد شد تا نامه‌ای باشم ویژه برای استفاده و مرجعی بین‌المللی در دنیای پرهیاهو تا ببینیم و اندکی پشت سر را بگیریم، تا ترسیم از آنچه ممکن است پیش روی ما اتفاق بیفتد و آماده باشیم برای فردا و قدر بشناسیم گذشته پر افتخارمان را.

سردبیر

چه خوش خوب با سنبله‌ها چه سخت با مهمیز!

علی جولایی

سال ۱۲۹۸ هجری قمری، در شهرستان رشت، فرزندی با به عرصه گیتی گذاشت که مهر عدالت‌خواهی برپیشانی‌اش نقش بسته بود. «یونس»، پسر «میرزا بزرگ» که به «میرزا کوچک» معروف شد؛ در خانواده‌ای با سطح متوسط به دنیا آمد. در خانه دو خواهر و دو برادر بزرگتر داشت و خواهران و برادران بسیاری که همان مردم ایران بودند. هیچ کدام از این دو دسته را بر دیگری برتری نمی‌داد و با سایرین نیز به مانند خواهران و برادران هم خوش رفتاری می‌کرد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه «حاجی حسن» واقع در منطقه «صالح‌آباد» رشت و مدرسه «جامع» سپری کرد. در همین دو مدرسه بود که با مقولات دینی و معرفی آشنا شد.

دیری نباید که برای ادامه تحصیلات و کسب علم، رخت سفر به تهران بست و جهت آموختن علوم معرفتی و مذهبی در مدرسه «محمودیه» ثبت نام کرد و در همانجا ساکن شد. اما در مسیر زندگیش، با شنیدن فریاد مظلومیت هم‌میهنانش و دیدن بیکر زخم خورده کشورش، قلم و کاغذ و محضر اساتید را به کناری گذاشت و به یاری این بیکر زخم‌خورده شتافت. اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی آن دوران آشفته و متزلزل می‌نمود. به همین خاطر، از خواسته‌ها و تمناهای خود دست کشید و با ایثار، رخت رزم بر تن خود پوشاند. مردی جسور، دلاور و از خود گذشته که بیکر قوی و استوارش را با لباس گلوله و باروت آراست. مردی با چشمانی زاغ و چهره‌ای بشاش و مهربان و به قول ابراهیم فخرایی: «... با سیمایی متمم و بازوانی ورزیده و پیشانی باز»
ویژگی‌های یاد شده از این مبارز، شعری از فدربیکوگاریسالیورکا، شاعر مبارز اسپانیایی، را به ذهن متبادر می‌سازد:

«... چه خوش خوب با سنبله‌ها

چه سخت با مهمیز!

چه مهربان با توله

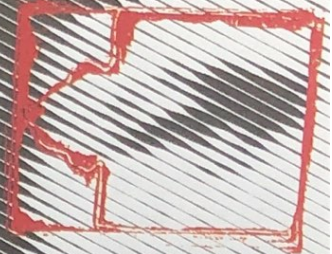
چه چشمگیر در هفته بازارها،

و با نیزه نهانی ظلمت چه رعب‌انگیز!...»

انسانی وارسته، با روحی لطیف و شاعرمنش و بسیار حساس و عاطفی که با وسواس تمام، با انسانها برخورد می‌کرد. او تا آخرین لحظات زندگیش به اعتقادات دینی و باورهای قلبیش، باوری محکم و به مانند سنگ داشت. از حق خود می‌گذشت، اما در هر شرایطی باز محنت دیگران را بر دوش می‌کشید و به دفاع از حقوق ضایع شده دیگران برمی‌خاست. این ویژگی را از دوران کودکی تا لحظات واپسین زندگی، با خود به همراه برد. روح پاک و شخصیت با ثباتش او را از ناپرهیزکاری‌ها به دور نگاه می‌داشت.

می‌گویند:

«ورزش را



نگاهی دوباره به نهضت جنگل

از ۶ صبح تا نیمه شب کار می‌کنند

امین سرتیپی

آزادی و آزادی‌خواهی قسمت مهمی از فعالیت‌های میرزا را شکل می‌دهد. او حرکت‌های آزادی‌خواهانه خود را همزمان با مشروطه آغاز کرد. او در جنگ‌های فتح تهران همراه آزادی‌خواهان در مقابل مستبدین می‌جنگید. در شورش شاهسون‌ها هم به کمک ستارخان شتافت. غائله ترکمن‌ها که به تحریک شاه مخلوع - محمد علی شاه - شورش کرده بودند، جزء مشروطه‌خواهان بود. و در تنش تبهی گرگان تلاش زیادی به خرج داد که منجر به جراحی عمیق او شد. او را برای مداوا همراه سه نفر مجروح دیگر به بیمارستانی در بارکوبه قفقاز بردند.

او به مشروطیت و اصول آن اعتقاد راسخ داشت تا حدی که سرکنسول دولت تزاری در رشت که همکاری گیلان بود، میرزا را بعد از آمدن از قفقاز به جرم داشتن افکار آزادی‌خواهانه و حرکت در فعالیت‌های انقلابی به تهران تبعید کرد.

توجه میرزا به دانش و علم‌آموزی نیز اهمیت دارد. او تأکید کرد که مشکل ما از بی‌سوادی است. به همین منظور، به موضوع فرهنگ در نهضت جنگل توجه می‌شد. جنگلی‌ها دو مدرسه در فومن و کسما تأسیس کردند و تشکیلات فرهنگی آنها روزنامه و نشریه‌ای را به نام «جنگل» منتشر می‌کرد. در یکی از شماره‌های این نشریه چنین می‌آید:

«عمده‌ترین باعث ترقی، همانا توسعه و بسط معارف و تزئید مکاتبت و مدارس جدید است. مع‌التأسف تا به حال کمتر به علم اهمیت داده و تعقیب کرده‌اند.»

میرزا مردی تنومند بود و ورزش را دوست داشت. تمرینات ورزشی جزئی از برنامه‌ی روزانه‌ی او بود. وی به شعر فارسی، به ویژه اشعار فردوسی بی‌نهایت علاقه داشت و جلسات شاهنامه‌خوانی منظمی در گوراب زرمخ (مرکز عملیات نظامی جنگلی‌ها) برای تقویت روحیه سلحشوری برگزار کرد.

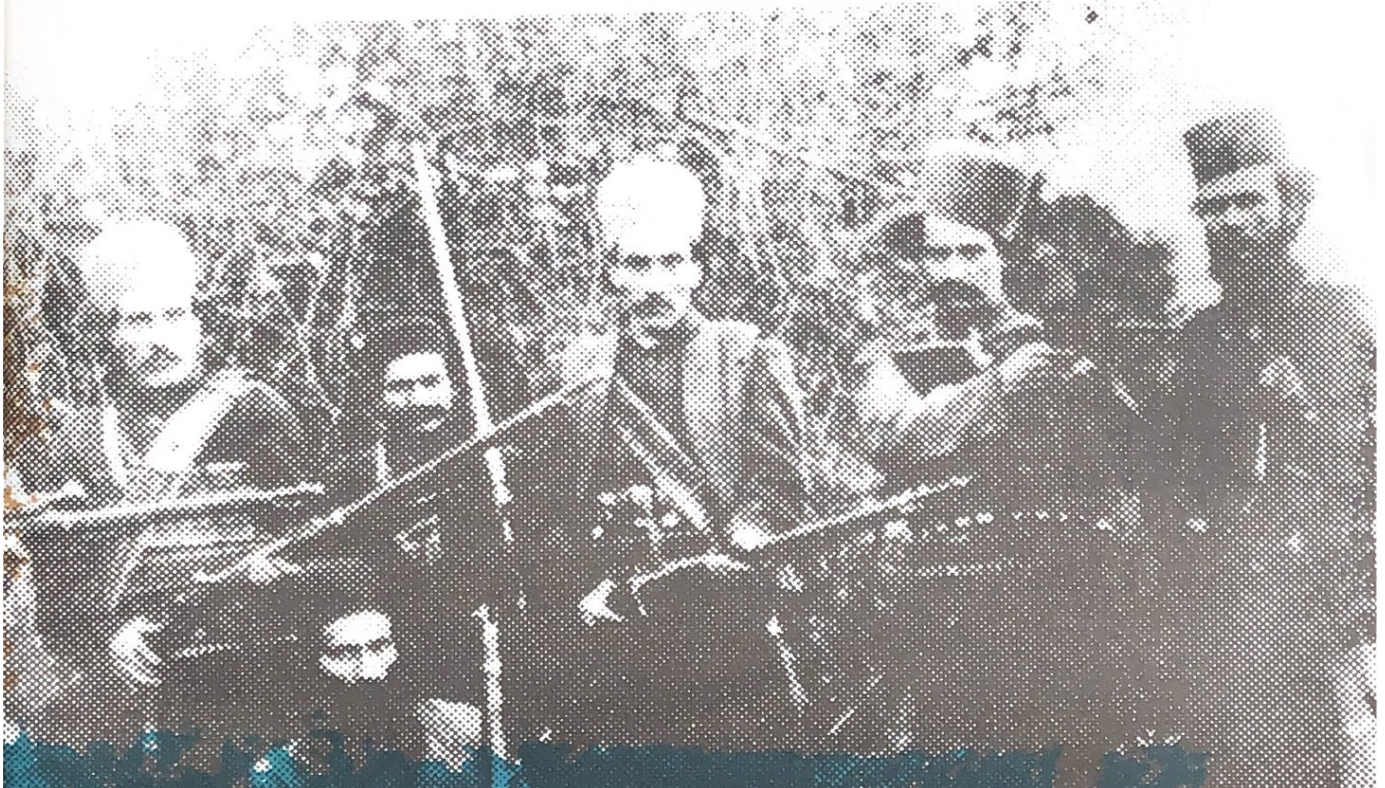
برای روشن شدن مرام میرزا و بارانش و اینکه افکار و دغدغه‌های اصلی آنان چه بوده، شاید بهترین کار نگاهی کوتاه به بعضی از مواد مرام‌نامه‌ی جنگلی‌ها باشد. دقت در مواد نه گانه این سند مهم تاریخی نشان‌دهنده‌ی افکار بلند و مترقی رهبر و سران نهضت جنگل می‌باشد. مهم‌ترین مسائل مورد اشاره در مرام‌نامه به

بیش از هشت دهه از قیام مردم شمال ایران به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی می‌گذرد. بوضوح می‌توان گفت که عنصر رهبری - مانند بیشتر جنبش‌های شرقی - بارزترین و مهم‌ترین وجه این قیام است. از این رو تحلیل شخصیت، رفتار و عملکرد میرزای کوچک جنگلی راهگشا برای فهم علل شکل‌گیری - اوج و افول نهضت و واکنش‌های اجتماعی و ... است.

اولین ویژگی مهم او غیرتمندی اوست. درد و مشکل ایران دغدغه‌ی اصلی او در تمام عمرش بود. او در زمانی به دنیا آمد و در محلی سالهای اولیه عمر را می‌گذراند که سایه اجنبی و بیگانگان را بر زندگی خود و اطرافیان حس می‌کرد. ایالات شمالی ایران در دوره‌ی قاجار مورد تجاوز مداوم همسایه شمالی - روسیه تزاری - قرار داشت تا جایی که در نتیجه این تاخت و تاز سرزمین‌های زیادی از خاک ایران جدا شد. استقلال‌طلبی و مردم‌دوستی از کودکی با نهاد میرزا سرشته شد.

مسئله مهم دیگر در شخصیت میرزا، حس عدالتخواهی و ظلم‌ستیزی است. در همان دوران تحصیل و طلبگی در مدرسه حاج حسن رشت هم افراد مظلوم، میرزا را که جوانی قوی هیکل بود کنار خود می‌دید. وضع اسفناک مردم ایران در سالهای قبل از جنگ اول و دوران قاجار و فقر و تنگدستی هموطنان، روان میرزا را آزار می‌داد. او که خود از خاندان ثروتمند شمال بود و لقب خان داشت اصرار می‌کرد که او را میرزا کوچک بخوانند. مهربانی و نرم‌خونی میرزا زبان‌زد خاص و عام بود از میرزا هیچ جا و در هیچ مقطع از زندگی‌اش سخنی به بدی بر زبان نرفته است شخصیت والا و رفتار انسانی او با اسیران هم بعضاً موجب ندامت آنها و حتی پیوستن افرادی از اردوی دشمن به جمع جنگلیها می‌شد. مأمور اطلاعاتی بلشویک در یک گزارش سری به باکو در مورد میرزا می‌نویسد:

«ثابت قدمی فوق‌العاده‌ی میرزا و دقت او، علاقه و همدردی او نسبت به اطرافیان و وضع وخیم روستاییان احترام و علاقه شدید اطرافیان را انگیزته. زندگی کوچک‌خان ساده است همراه رفقای خود و مجاهدتها روی تشک‌گاه می‌خوابد. هیچ‌گونه زرق و برقی که مخصوص خان‌هاست، وجود ندارد. او زندگی کاملاً متواضعانه‌ای دارد. سیکار نمی‌کشد، خوشگذرانی نمی‌کند. از ساعت ۶ صبح تا نصف شب کار می‌کند.»



شرح زیر است.

ماده‌ی اول: حق حاکمیت است (متمركز در مجلس شورای ملی، و بهره‌وری همه‌ی اتباع کشور بدون هیچ تبعیضی از حقوق مدنی را مدنظر دارد. (اصول مشروطیت و آزادی خواهی)

ماده‌ی دوم: حقوق مذکور در ماده‌ی اول را شامل این موارد می‌داند.

- مصونیت افراد و منازلشان از تعرض مقامات دولتی و قدرتمندان

- تساوی زن و مرد در حقوق مدنی و اجتماعی

- آزادی فکر، عقیده، کلام، اجتماعات، مطبوعات، مسافرت و شغل برای همه شهروندان کشور (از اصول فوق‌العاده و امانامه)

ماده‌ی سوم و چهارم: بر فرآیند و موضوع انتخابات و طرح زیربنای اقتصاد کشور می‌پردازد، که بر مبنای ملی شدن منابع طبیعی و املاک تحت تصرف دولت است.

ماده‌ی پنجم: وظیفه‌ی اصلی دولت را دادن تعلیمات ابتدایی رایگان به همه کودکان می‌داند.

ماده‌ی ششم: قضاوت و اصول داوری را عادلانه و دارای نتیجه و سریع می‌خواهد.

ماده‌ی هفتم: پرورش دسته جمعی جوانان، ورزش و مشق نظامی همگانی در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها

و از سویی تأسیس مدرسه عالی نظامی (دانشکده افسری) را به عنوان نیاز اصلی کشور مطرح می‌کند.

ماده‌ی هشتم: فراهم کردن کار برای افراد سالم و ریشه‌کنی فقر و بیکاری و مبارزه با مفت‌خواری را مدنظر دارد.

ماده‌ی نهم: به مسئله تأمین بهداشت همگانی و بیمارستانهای عمومی و جلوگیری از مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی می‌پردازد.

دلایل قیام جنگل:

اوضاع ناپسامان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در زمان قاجاریه قصه‌ای همراه با آب چشم است. (تصرف سرزمین‌های ایرانی، اشغال خاک ایران و نفوذ نظامی و سیاسی اجنبی در ایران، تعرض به جان و مال و ناموس مردم،

بی‌کفایتی حکام، فقر و فلاکت ایرانیان، ستم و ظلم به افراد طبقات فرودست و دور شدن از اهداف مشروطه و آغاز جنگ جهانی اول به پریشانی اوضاع ایران افزود. فریادهای استغاثه مردم گیلان و آذربایجان به مرکز می‌رسید، اما دولت مرکزی توان پاسخگویی به این درخواست‌ها را نداشت. حضور گسترده‌ی روسها در دیگران و نبود یک نیروی مؤثر که از زورگویی آنها جلوگیری کند باعث شکل‌گیری فکر تشکیل یک نیروی مسلح در ذهن میرزا جهت پایان دادن به زورگویی‌های اجانب شد. به اختصار می‌توان به مسائل مهمی که زمینه‌ساز قیام میرزای جنگلی بود را این چنین برشمرد.

۱- اوضاع ناپسامان ایران به واسطه شروع جنگ جهانی اول و ناتوانی دولت مرکزی در حفظ و حراست از مرزهای کشور

جنگلی‌ها مصمم بودند مادامی که موفق به اخراج نیروهای بیگانه از خاک ایران و رسیدن به اهداف خود نشدند به آرایش سر و صورت خود نپردازند.

۲- انحراف مشروطه از اهداف قیامی که خون‌ها در راه آن ریخته شده بود و در نتیجه حاکم شدن چهره‌های وابسته به روس یا انگلیس نظیر وثوق‌الدوله یا عین‌الدوله به سرنوشت مشروطه.

۳- بی‌توجهی دولت مرکزی به وضع مالی، اقتصادی و اجتماعی ایالات و ولایات مرزی نظیر گیلان، خراسان و آذربایجان

۴- تشکیل شدن یک قشون ملی در اثر نفوذ قدرتهای درگیر جنگ جهانی در ایران برای سرکوبی یاغیان داخلی و مقابله با هجوم بیگانگان

۵- نفوذ بیگانگان در دستگاههای دولتی و تصمیم‌گیری مملکت.

۶- ظلم و ستم خوانین و مالکان بر مردم این مناطق.

۷- زورگویی‌ها و اجحافات قشون روس در گیلان - موطن اصلی میرزا - و بی‌پاسخ ماندن این تعرضات.

به عوامل دیگری هم که باعث شدت گرفتن قیام در سالهای بعد شد می‌توان اشاره کرد. مثل:

اقدام وثوق‌الدوله در امضاء قرارداد ۱۹۱۹ با انگلستان و

پیروزی انقلابیون روسیه در سال ۱۹۱۷ م. با شعارهای مردم‌پسند مخصوصاً زمانی که بلشویک‌ها وعده‌ی همکاری و پشتیبانی به جنگلی‌ها دارند.



کتاب‌شناسی نهضت جنگل

منبع: کتابخانه تخصصی ایثار و شهادت

- ۱- بررسی تطبیقی دو نهضت جنگل و خیابانی / عبدالله متولی - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی
- ۲- نگاهی به روابط شوروی و نهضت انقلابی جنگل / مصطفی شعاعیان - تهران - ارژنگ
- ۳- نهضت جنگل و اتحاد اسلام / فتح الله کشاورز - تهران: سازمان اسناد ملی ایران - ۱۳۷۱
- ۴- تماشای باران (سردار پاره‌هفت جنگل) / عبدالمجید رحمانیان - تهران - امید آزادگان ۱۳۸۲
- ۵- سردار قبیله عشق / بهمن صالحی - به سفارش مرکز بازشناسی نهضت جنگل / تهران - بنیاد اندیشه اسلامی - ۱۳۸۲
- ۶- مدخلی بر بازشناسی نهضت جنگل / جعفر مهرداد - مرکز بازشناسی نهضت جنگل بنیاد اندیشه اسلامی ۱۳۸۲
- ۷- مجموعه اسناد نهضت جنگل / دبیرخانه همایش بازشناسی نهضت جنگل، برگزار کننده شورای اسلامی رشت - شهریاران، ۱۳۸۲
- ۹- مردی از جنگل / احمد احرار - تهران - نوین - ۱۳۶۱
- ۱۰- جنبش جنگل و میرزا کوچک خان / محمد تقی میرابوالقاسمی - تهران - نوین - ۱۳۶۱
- ۱۱- سردار جنگل / ابراهیم فخرایی - تهران - جاویدان - ۱۳۶۲
- ۱۲- نهضت میرزا کوچک خان جنگلی و اولین جمهوری شورایی - شاپور رواسانی - تهران - شمع - ۱۳۷۸
- ۱۳- آسیب شناسی نهضت جنگل - بهنام کریمی - تهران - قصبه سرا - ۱۳۸۲
- ۱۴- یاد سبز (مجموعه نقاشی‌های میرزا کوچک خان جنگلی) - قاسم حاجی زاده - تهران - ۱۳۷۱
- ۱۵- برکهای جنگل - ایرج افشار - تهران - فرزاد روز - ۱۳۸۰
- ۱۶- نقش احسان‌الله خان در نهضت جنگل - فریدون نوزاد - رشت - حرف نو - ۱۳۸۱

فرجام ناخوش

همراهی دیگر کشورها و ملت‌ها با خود در مقابل جبهه‌ی دیگر، متوسل می‌شدند. دولت عثمانی هم از اسم و رسم هیأت اسلام مسلما در جهت نزدیک کردن دیگر مسلمانان به خود چشم‌پوشی نمی‌کرد. در ژانویه ۱۹۱۸ م. عثمانیها با انفعال از درگیری نیروهایی در شمال ایران و روس‌ها، برای آنها سه هزار قیضه تفنگ، مقدار زیادی فشنگ، یک جلد کلام... مجید و یک ساعت جیبی و یک شمشر مرصع هبه فرستادند در ادامه به خواهش میرزا، چهار افسر ترک به منظور تربیت نیروهای نظامی به جنگل آمدند و تا قرارداد آتش بس میان جنگلی‌ها و نیروهای انگلیس در سال ۱۳۳۶ ق. در ایران بودند.

هیئت اتحاد اسلام در گیلان و در نهضت جنگل پیرو سیاست‌های خاص دولت عثمانی نبودند. اسلامی بودن نهضت جنگل را به هیچ وجه نمی‌توان از ایرانی بودن رهبران و افراد اهداف آنها در این نهضت جدا کرد.

نیروهای آلمانی و اتریشی: همان طور که گفته شد. کشورهای متحد (آلمان، اتریش و عثمانی) از هر وسیله‌ای برای تضعیف متفقین (روسیه، انگلستان و فرانسه) استفاده می‌کردند. نکته دیگر، اقبال عمومی ایرانیان به جانب متحدین است. تبلیغات آلمان‌ها و عثمانی‌ها و ناراحتی مردم از سیاستهای غارتگرانه‌ی روس و انگلیس به سئوه آمده بودند و نیروی سومی که با شعار آزادی‌خواهی در دنیا علم شده بود، توجه و تایید مردم را به خود جلب می‌کرد. این نکته هم باید افزود که برخی از این افسران خصوصاً آلمانی‌ها و اتریشی‌ها از زندان‌های تزاری گریخته بودند و به دلیل نزدیکی نیروهای جنگل به آنها ملحق شده در کنار آنها با روس‌ها می‌جنگیدند. در آخر باید گفت: شرکت چند افسر آلمانی و عثمانی در نیروهای نظامی نهضت جنگل که در استخدام نهضت بودند را نمی‌توان به عنوان حمایت دولت آلمان یا عثمانی از نهضت تلقی کرد.

همکاری با نیروهای اشغال‌گر بلشویک‌های شوروی: مهم‌ترین انتقادی که از همکاری میرزا با نیروهای بیگانه شده است: ارتباط و اتحاد وی با نیروهای بلشویک روسی است. در پی انقلاب بلشویکی در شوروی، ارتش نوینیان سرخ در سال ۱۹۲۰ م. بر نیروهای ناراضیان داخلی به پیروزی رسید و بقایای نیروهای طرفدار سلطنت تزاری را در خارج تعقیب می‌کرد. به همین بهانه در پاماد ۲۹ اردیبهشت ۱۲۹۹ شمسی ارتش سرخ تحت فرماندهی راسکالینکف برای تعقیب نیروهای ژنرال دینکن که در ایران بودند، در سواحل انزلی پیاده شدند. سران جنگل با اطلاع از ورود قوای سرخ به انزلی خواستار آگاهی از نیت و برنامه‌های آنها بودند تا بتوانند روابط خود را در این وضع جدید وارد انزلی شد. مردم به افتخار او شهر را آذین بستند و از او استقبالی کم‌نظیر، به عمل آوردند. پس از شور و مذاکرات مختلف هر دو طرف درباره‌ی نکات زیر توافقاتی حاصل شد:

۱- اجرای اصول کمونیسم در شرایط ایران مقدور نیست. مصادره اموال و الغاد

در اینجا به برخی واکنش‌ها و از سوی انجام قیام جنگل می‌پردازیم. قسمت اول به انتقادات و ایرادهایی که از عملکرد میرزا مطرح شده می‌پردازیم و در قسمت دوم با نگاهی کلی‌تر، عوامل شکست که بعضاً در همان قسمت اول ریشه دارد، تشریح می‌شود.

انتقادات و ایرادات از میرزا:

تجزیه‌طلبی: شاید نیت تجزیه‌طلبی به میرزا کوچک خان بی‌ربط‌ترین نسبتی است که می‌تواند به او داد. به قول رواسانی «نسبت تجزیه‌طلب بودن، نسبتی است که مخالفان و کسانی که اطلاعی از نهضت جنگل ندارند. عنوان می‌کنند». میرزا کوچک و یارانش در تمام مکاتبات و سخنرانی‌ها و اقدامات سیاسی خود همیشه خواستار آزادی و استقلال ایران بوده‌اند. او هیچ‌گاه از جدایی ذره‌ای از خاک ایران صحبتی به میان نیاورد. برای نمونه او در نامه‌ای به روتشتین سفیر روسیه در ایران می‌نویسد:

«مقصود من و یارانم حفظ استقلال مملکت و اصلاح و تقویت مرکز است. تجزیه گیلان را که مقدمه ملوک الطوایقی است و همچنین ضعف کشور را خیانت صریح می‌دانم.»

در جریان تشکیل جمهوری گیلان بعد از حضور نیروهای شوروی بلشویک در گیلان، نیروهای کمونیستی و طرفداران آنها اصرار داشتند. نام جمهوری سوسیالیستی گیلان» را برای حکومت جدید برگزینند که با مخالفت شدید میرزا مواجه شد. و خود میرزا «جمهوری موقت سوسیالیستی گیلان» مطرح کرد. شاید اگر این تدبیر میرزا نبود، کمونیست‌ها به این بهانه نمی‌توانستند اعلام خودمختاری کنند و گیلان را یکی از جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی کنند.



همکاری با بیگانگان:

اتحاد اسلام (عثمانی): با دقت در ریشه‌های شکل‌گیری این جماعت می‌توان ایده‌های مصلحان بزرگی چون، سید جمال‌الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، عبدالرحمن کوآکی و رشید رضا را در آن پیدا کرد. ایده‌ی نزدیکی جهان اسلام و اتحاد مسلمانان منجر به شکل‌گیری این سازمان در استانبول شده بود و در کشورهای دیگر اسلامی به عضوگیری می‌پرداخت. در کتاب بررسی تطبیقی دو نهضت جنگل و خیابانی ادعا شده است که افرادی چون سید حسن مدرس و سید محمد کمره‌ای جزء این هیأت بوده‌اند. نکته‌ی دیگری که نباید از نظر دورداشت این است که: در جریان جنگ جهانی، دولتهای درگیر جنگ به هر وسیله‌ای برای





مالکیت و نیز تبلیغات کمونیستی باید صرف نظر شود.

۲- تأسیس جمهوری انقلابی موقت گیلان و ...

میرزا در ۱۶ رمضان ۱۳۳۸ ق (۳ ژوئن ۱۹۲۰) وارد رشت شد و زمام امور حکومت انقلابی را در دست گرفت. ذکر این نکته در این جا ضروری است که اساسا فضای عمومی ایران و تمام مبارزان و انقلابیون و ملیون ایران کمابیش به انقلاب اکبر شوروی و مواضعی کربنین گرفته بود. خوشبین بودند و این مسئله را نقطه‌ی مثبتی برای استقلال ایران می‌دانستند سردار جنگل، براساس حیات و حرمت بشری با تمام کسانی که در مسیر استقلال و آزادی ایران فعالیت می‌کردند، همکاری داشت. میرزا به هیچ عنوان حاضر نشد تحت حمایت دولت خارجی به سلطنت برسد. تا جایی که مردم تبریز برای انقلاب شوروی جشن گرفتند. مردم از اوایل دوران صفوی همیشه خاطرات تلخی از دولت استعماری روسیه تزاری را ملغی اعلام کرده بود و در پایان بحث همکاری با بیگانگان باید گفت که وعده‌ی آزادی و برابری می‌داد.

ترک گیلان و سپردن گیلان به دست کمونیست‌ها: جریان همکاری میرزا با مقامات اشغالگر روسی در گیلان و بریدنش از اعضای کمونیست شورای انقلاب گیلان بسیار مفصل است. هنوز زمانی نگذشته بود که اختلافات شدید مسلکی و مرامی میان اعضای تندروی شوروی انقلابی بالا گرفت.

مسئله اشغال اراضی ایران در مجامع بین‌المللی مطرح شده بود بلشویک‌ها که نگران بودند، موضوعاتی که به روسیه تزاری نسبت داده می‌شد، دامن آنها را بگیرد، تعدادی از نیروهای نظامی خود را از ایران خارج کردند. در عوض نیروهای کمونیست مسطح با لباس شخصی هر روز باکشی از بارکوبه به گیلان سرازیر شدند. دیگر کاری از دست میرزا ساخته نبود. جز این که عملیات کمونیست‌ها را در گیلان و ترویج و تبلیغ گسترده مرام آنها را با سکوت و رضا تحمل کند و یا اینکه از کنار آنها بگذرد و دوباره راه خود را برود. بله، توطئه‌ی کمونیست‌های گیلان و اعضای فرقه‌ی عدالت (حزب کمونیست) بارکوبه در کنار گذاشتن میرزا و قبضه کردن حکومت با موفقیت انجام شد. میرزا روابط خود را با کمونیست‌های رشت قطع کرد و عازم فومن شد تا دوباره به جنگل برگردد. اما پیش از ترک رشت، بیانیه‌ای رسماً اعلام کرد که مادامی که اعضای فرقه‌ی عدالت بارکوبه بساط تبلیغات توهین‌آمیز خود را به مقامات ملی و مذهبی برنچینند به رشت باز نخواهد گشت.

۳-۲ عوامل شکست: به طور کلی نهضت جنگل همانند بسیاری از نهضت‌های اسلامی معاصر دچار مشکلاتی از این دست شد، کنار گذاشتن اصول و شعارهای اولیه؛ شکاف و اختلاف در صفوف داخلی؛ فقدان یک اندیشه‌ی راهنمای جامع و کامل؛ اتخاذ نکردن یک برنامه‌ی مشخص و استراتژی بلند مدت؛ درک نکردن روابط پیچیده‌ی قدرتهای بزرگ جهانی و نگاه ساده‌لوحانه به پیمان‌ها و توافقات و نهایتاً فاصله گرفتن از توده‌ها و از دست رفتن پایگاه مردمی.

نهضت جنگل در کنگره کسما (۱۲۹۹ ش) روش اجتماعيون (سوسیالیست‌ها) را انتخاب کرد و مثنی آینده‌ی جنگل روی مردم و اصول سوسیالیزم بنیانگذاری شد.

بصیرت به سیاست‌های پشت پرده‌ی قدرتهای بزرگ باعث ضربه‌ی اساسی به نهضت جنگل بود. میرزا چندین بار با تغییر رویه‌ی دولت‌هایی که با آنها پیمان بسته بود، مواجه شد. مثلا، بعد از پیمان آتش‌بس با قوای بریتانیا به هیچ وجه فکر رویگردانی انگلیسی‌ها را نداشت. ولی آنها هم با روسهای تزاری برای حمله به کمونیست‌های قفقاز قرارداد را داشتند. و بعد هم در زمان کابینه‌ی مردم و ثوق به منظور بستن قرارداد معروف ۱۹۱۹ توافقات خود با نیروهای جنگل را هم زیر پا گذاشتند. در موردی دیگر هم مسکو که حمایت مقام خود را از حکومت سوسیالیستی گیلان اعلام کرده بود، دریافت که شرایط اجتماعی ایران تحولات از نوعی که در روسیه اتفاق افتاده است را بر نمی‌تابد. پس شیمانی از نهضت جنگل را بی‌فایده و خطرناک دیدند. در نامه‌ای که روتشتاین مستقیماً به میرزا نوشته، به او اندرز داده که تا میسر نشده است با حکومت مرکزی ایران (رضاخان سردارسیه) کنار بیاید زیرا تحولات پس از پایان جنگ تغییر سیاست شوروی را در ایران اجتناب‌ناپذیر کرده است.

در آخر هم باید به اختلافات و خیانت‌های یاران میرزا اشاره کنیم. اختلاف حاج حسن کسمایی به تحریک عمان انگلستان، به رویارویی با چریک‌های انقلابی جنگل و نیروهای حاج حسن انجمید و در ادامه شیخ احمد برادرش را برای گرفتن تأمین نامه به مرکز فرستاد. میرزا از فومن به سمت لاهیجان برای ملحق شدن به قوای دکتر حشمت حرکت کرد. در مسیر سفید رود مورد حمله‌ی هواپیماهای انگلیسی قرار گرفت. به هر ترتیب خود را به لاهیجان رساند. اما، در آنجا هم دوست و هم‌رزمش دکتر حشمت از مبارزه‌های تمام نشدنی

جنگل خسته و فرسوده شده بود و با دیدن اجساد و کشته شدگان دیگر میلی به ادامه مبارزه نداشت و با اخذ امان نامه‌ی کبکی از حاکم گیلان به اتفاق ۲۷۰ نفر از یارانش تسلیم قوای دولتی شد و عاقبت چیزی جز اعلام منتظر دکتر حشمت نبود. افراد دیگری چون احسانا... خان و خالوقربان که از اول نهضت هم نیاتشان پاک نبود هم در خلال نهضت بیشترین مشکلات را برای میرزا فراهم کردند. مجذوب افکار چپ کمونیستی شدند و در مقابل میرزا به حمایت از حزب کمونیست پرداختند. نتیجه‌ی کار این دو نیز چیزی جز خواری نبود. احسانا... خان به روسیه گریخت و در آنجا اعدام شد و خالوقربان هم با دریافت ۳۰ هزار تومان خود را به سردار سپه تسلیم کرد.

سخن آخر:

نهضت جنگل با همه‌ی فراز و نشیب‌هایش یکی از فصول پرافتخار تاریخ ایران است. میرزا و تلاشش برای آزادی، استقلال و پیشرفت ایران از خاطره‌ی تاریخ زودرونده نخواهد شد. او جواب نامه‌ی سرهنگ تیکچنکو رئیس هن تراق تهران در دسامبر ۱۹۱۹ م. (ذی‌الحجه ۱۳۲۷ ق.) که از میرزا خواسته بود، تسلیم شود این گونه می‌نویسد:

«قبل از شما نمایندگان دولت انگلیس یعنی: همان کسانی که به دیگران وعده مال

و جاه دادند و به من هم تکلیف کردند که تسلیم شوم، ولی حاضر نشدم... در قانون اسلام به ما امر شده است، وقتی که خواستند به ممالک اسلامی مسلط شوند، مسلمانان باید که به مدافعه برخیزند... آقای سرهنگ! باید دید سرانجام قضیه چه خواهد شد. آیا عقلای عالم به به جسد کشته‌ی ما خواهند خندید یا به فتح و پیروزی شما؟...»

هلاک ما به بیابان عشق خواهد بود کجاست یار که ما سر سفر داریم



شماره دوم
سال اول
صفحه اول
جایی اوارده کسما
سرپرست: سید محمد علی
محرران: سید محمد علی
بنفونیل باشد
دمن جنگل
ماده بدنه و طبع و توزیع خواهد
تک نمره نهفت‌های
این روزنامه فقط کاسبان حقوق‌ایرانیان و متورانکار اسلامیان است
مدیر مسئول: حسین کجانی

نهضت جنگل
۱۳۳۵
تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۳۳۵

میرزا به عنوان رهبر اصلی نهضت با تمام محاسن و نیات پاک و اراده‌ی پولادین خود یک ایدئولوگ انقلابی نبود. از همین رو یک اندیشه‌ی جامع در بطن نهضت جریان نداشت که باعث نفوذ افراد سست عنصر و متفاوت به جرگه‌ی مجاهدین می‌شد. نبود این اندیشه در ضمن افراد را در مقابل ایده‌های جدید و تازه مطرح شده، خلع سلاح می‌کرد. نداشتن شم آگاه سیاسی و



نهضت جنگل سد استعمار و استبداد

میرزا کوچک خان در پی قیام خود اهدافی
متعالی را دنبال می‌کرد.
اهداف میرزا را می‌توان به شرح ذیل بیان
کرد:

الف) مبارزه با انگلستان

هدف میرزا اول مبارزه با روسیه تزاری بود
که گیلان را به تصرف خود درآورده
بود و بعد مبارزه با انگلستان که
انواع قراردادهای ننگین را به
ایران تحمیل کرده بود، و حالا
با فروپاشی حکومت تزار،
انگلیسی‌ها یک‌تاز ایران بودند
و هدف اولیه میرزا حالا اخراج
انگلیسی‌ها بود و میرزا به
این عقیده بود که با همکاری
نیروهای انقلابی و آزادیخواه که
بنا بر گفته خود هیچ چشم‌داشتی
به ایران ندارند با انگلیسی‌ها مبارزه
کند. میرزا در این مورد انگیزه خود را
چنین بیان می‌کند:

«نمایندگان سویت روسیه به ایران
وارد شدند، به این عنوان که به
ما کمک کنند تا انگلیسی‌ها را که
دشمن مشترکمان می‌باشند از
ایران بیرون کنیم و دست خائنین
و مستبدین را کوتاه نماییم و این
مساعدت را چنانچه می‌دانید،
مطابق موافقت‌نامه به دو چیز
منحصر نمودیم:

یکی آنکه از روسیه به ما اسلحه
داده شود در عوض قیمت
بگیرند. ۲- نفقات به قدری که ما
تعیین کنیم و بخواهیم» (۱)

محمدعلی گیلک برداشت و
ذهنیت خود را از تلاش‌های
حکومت شوروی و گرایش
مردم به شوروی‌ها را اینگونه
بیان می‌کند: «همه این اقدامات
اگر نمی‌توانست تمایل مردم
ایران را به طرف روسیه جلب
کند لاقبل ضدیت با انگلیسی‌ها
را در آنان تحریک می‌نمود.»
زیرا شوروی‌ها با آنان و
خط و مشی ضد انسانی آنان
مخالفت می‌کردند.





از طرفی نامه‌هایی هم که برای میرزا فرستاده می‌شد در خصوص این امر باعث تحریک بیشتر میرزا می‌شد برای همکاری کردن با بلشویک‌ها.

«همکاری با بلشویک‌ها مساعد به حال امت است و سبب نیرومندی کسانی می‌شود که مشغول مبارزه علیه قرارداد ۱۹۱۹ هستند و می‌خواهند آن را لغو کنند».

از جمله درخواست‌کننده‌ها احمدشاه است که مخالف قرارداد ۱۹۱۹ بود، مدعی است من به میرزا کوچک‌خان پیام دادم که افراد مطمئنی را به قفقاز بفرستید و به نام ملیون ایران با آنها سازش کنید: زیرا وقتی انگلستان رقیبی در برابر خود ببیند از خواسته‌های نابخرد خود دست برمی‌دارد یا آنها را تعدیل می‌کند.

«سپهدار شاهد است که بوسیله او به میرزا کوچک‌خان پیغام دادم. شما به قفقاز نمایندگان مطمئن بفرستید و با نام ملیون ایران با روس‌ها سازش کنید و بدان‌ها بفهمانید که دست و پای دولت ایران چگونه در حال حاضر بسته است و اکنون ما ناچاریم با دولتی که قشون او و نفوذ او ما را احاطه نموده است، تا آنجا مدارا کنیم که قشون روس‌ها به سرحدات قدیم خود برسند و خلاصه که دست و داد ما به تدریج و آهستگی به سوی آنها دراز خواهد شد».

و شاید این پیام‌ها در رفتن میرزا به سمت ارتش سرخ اثر داشته و باعث همکاری او با آنها شده است.

(ب) مبارزه با نیروهای فاسد داخلی:

امضای قراردادهای ننگین در زمانی ممکن است که نیروهای فاسدی مانند وثوق‌الدوله‌ها در کشور حاکم باشند و بنابراین اصلاح امور دولت و بیرون راندن نیروهای فاسد کمکی است برای بیرون راندن بیگانگان.

و به همین خاطر می‌بینیم که در مواد قرارداد میرزا و ارتش سرخ آمده است:

پس از ورود به تهران و تأسیس مجلس مبعوثان، هر نوع حکومتی را که نمایندگان ملت بپذیرند. که این قرارداد می‌تواند حاکی باشد از سرنگون کردن حکومت استبداد و سپردن آن به مردم با همکاری ارتش سرخ.

(ج) حفظ استقلال کشور:

کارکرد بلشویک‌ها و نظام شورواها، هواداری آنان از آزادی ملت‌ها و لغو کلیه قراردادهای استعماری، زمینه را برای گرایش به آن کشور، بر هر آزادخواهی در آن برهه تاریخی فراهم می‌ساخت. و از طرفی ارتش سرخ بدون هیچ دعوتی وارد کشور شده بود. آن‌ها هر گاه به سرزمینی وارد می‌شدند، سعی می‌کردند، کمیته‌ای تشکیل داده و تلاش‌های خود را زیر چتر آن ادامه دهند. آنها برای ایران هم چنین خواهی دیده بودند. و حزب کمونیست عدالت را در باکو، برای همین هدف، تشکیل دادند تا در ایران، در پرتو نام اعضای آن که ایرانی بودند، برنامه‌های استعماری خود را سامان دهند.

البته این گرایش شوروی به شرق به خاطر تغییر سیاست آنها بود، چون لنین قائل به انقلاب جهانی بود این سیاست در غرب پیشرفت زیادی نداشت به همین جهت تصمیم گرفتند سیاست انقلاب جهانی شرق را عملی کنند.

«کار سیاسی در شرق مرموزترین وظیفه هیات رئیسه سیاسی شورای جنگ انقلابی جمهوری است... و باید با همان عزمی که انقلاب اکتبر را به بار آورد صورت بگیرد، چون بدون شعله‌ور شدن آتش انقلاب در شرق در بقیه جهان بندرت آتش انقلاب برافروخته خواهد شد مسئله موفقیت یا شکست در شرق شاید مسئله مرگ و زندگی انقلاب باشد».

به همین منظور از میان کارگران ایرانی آسیای مرکزی واحدهای نظامی تشکیل شد. که این واحدها قرار بود ارتش سرخ آینده ایران را تشکیل دهند، آن‌گاه

«مردم زحمتکش ایران نه تنها از شر امپریالیست‌های انگلیس رها خواهند شد بلکه برای همیشه از دست استثمارگران خود آزاد شده و به خانواده برادر جمهوری‌های شوروی خواهند پیوست».

اینجا آشکار می‌شود که قصد شوروی از شروع عملیات نظامی در ایران تصرف کل ایران و شوروی کردن ایران بوده است.

میرزا که خواهان استقلال کشور بود با تمام توان در راه این هدف والا و مقدس تلاش می‌کرد، باید جلوی این افراد را با تدبیر و زیرکی ویژه‌ای می‌گرفت. از این روی، وی ناچار به همکاری با ارتش سرخ و حزب کمونیست شد.

این امر در نامه میرزا به لنین آشکار است (صدای ملت ایران می‌گوید):

ما قدم اولی را برای رسیدن به آزادی برداشتیم ولی خطر دیگری از طرف دیگر به ما می‌رسد. یعنی اگر ما از دخالت خارجی‌ها در کارهای داخلی خود جلوگیری ننماییم، این دلیل می‌شود که ما به قصد خودمان؛ یعنی به آزادی نخواهیم رسید. زیرا که به جای دخالت‌هایی که تاکنون از طرف یک دولت خارجی وجود داشت، دولت خارجی دیگر در کارهای ما دخالت کرده و ما در تحت نفوذ او خواهیم افتاد».

و ما می‌بینیم که در قرارداد میرزا با بلشویک‌ها ذکر شد که «بناستی در امور داخلی ما مداخله کنند». یعنی باید به استقلال ایران ارج نهند.



بازشناسی يك انسان

دیداری بامسئول مرکز بازنشاسی نهضت جنگل

حوصلاهم سر رفته بود. گزارش این ماه مجله هم مانده بود هیچ موضوعی به ذهنم نمی‌رسید. تقویم را برداشتم. آذرماه را ورق زدم چیزی پیدا نشد. این بار با دقت بیشتر نگاه کردم. صبح نهم آذرماه است! آره خودش است. سالروز شهادت میرزا کوچک خان جنگلی همان چیزی که باعث هیجان من شد. شنیدن اسم یک مرکز بود. مشکل مصاحبه حل شد. با چند تا تلفن پیدایش کردم. خودش است. «مرکز بازنشاسی نهضت جنگل» مسئول مرکز را سردبیر می‌شناخت قرار گذاشتم. شماره تلفن تماس آن آقا را پیدا کردم. زنگ زدم. صدای مهربان و باطمینانیه آن آقا من را دوقوزده کرد. روز قرار فرا رسید. خیلی گشتم، دیر شده بود. اما سرانجام با ۳۰ دقیقه تأخیر با اضطراب رسیدم. پشت میز که نشستم دیکه اضطرابی وجود نداشت چون رفتار آن قدر گرم و محبت‌آمیز بود که هیچ ترسی را باقی نمی‌گذاشت. کت و شلوار سورمه‌ای رنگ مرتب و تمیزش کمی جدی‌اش کرده بود. عصای جالبش هم ذهن من را منحرف می‌کرد. چرا عصا؟

آقای محمد حسن اصغرنی، عضو هیئت علمی دانشگاه، معاون مرکز بازنشاسی جنگل یا همه‌ی مشکلات ناشی از جانبازی‌شان از سال ۱۳۶۸ به قصد شناختن و شناساندن میرزا کوچک خان جنگلی، الگوی زندانیان سیاسی قبل از انقلاب به همراه چند استاد و همکار همراه شروع کرده بودند. اما این اواخر یعنی سال ۱۳۷۳ به کارشان شکل اداری دادند. یک سازمان غیردولتی مستقل که تنها محل ثابت آن دفتر کار خود آقای اصغرنیاست. مرکزی که به چاپ و انتشار کتابها و اسناد تازه پیدا شده درباره نهضت جنگل می‌پردازد. سایت مرکز هم فعال است بزرگاری چند بزرگداشت هم در کارنامه‌ی مرکز قرار دارد. آخرین کار هم بزرگاری همایش روز نهم آذرماه است که کارهایش در حال انجام است. همایشی در سازمان اسناد ملی ایران که با همکاری دبیری بنیاد شهید و ایثارگران اسلامی برگزار می‌شود. فرخوان یک مقاله در ده بخش شخصیت میرزا، بررسی مسائل اجتماعی نهضت، بررسی مسائل تاریخی نهضت، بررسی مسائل سیاسی - نظامی نهضت و بررسی مسائل فرهنگی آن آخرین اقدام است. چاپ کتابهایی با عنوان «مدخلی بر بازنشاسی نهضت جنگل» اثر استاد سید جعفر مهرداد، «لشویک‌ها در ایران» ترجمه دکتر مهرداد، «مداخلات شوروی در نهضت جنگل» ترجمه از انگلیسی به فارسی و مجموعه شعر «سردار قبیله عشق» از عناوین کتابهای چاپ شده توسط مرکز است. آخرین کتاب هم «نهضت جنگل به روایت تصویر» که هنوز زیر چاپ است.

استاد، میرزا را خیلی خوب می‌شناخت از روحیاتش، وضعیت تاریخی زمان او و الگو بودن میرزا صحبت‌ها کرد، که من تنها چند سطر از آنها را اینجا می‌آورم.



یجعل... فرقا اعتقاد، سریند عقیده را بر سر می بندم آدم معتقدی بود.

۲- باور داشت که اسلام می تواند حکومت بکند.
۳- خودش را هم باور کرده بود که می شود با افراد معتقد یک جمعیتی تشکیل داد و در برابر ظلم ایستاد.

۴- جوانمردی در او بود. خیلی هیکل دار بود. هرکس در زمان او اربابش زود می گفت می آمد پیش میرزا کمک می خواهد.

۵- جاذبه اش خیلی زیاد بود. جوانها را که می دید خیلی تحویل می گرفت کشتی روی می گرفت. آن بچه حس می کرد که آن آدم بزرگ شخصیت می دهد.

۶- آدمهای باسواد را جذب خودش کرده بود. مثل سعدا... خان درویش.

در قرآن آیه ۱ سوره نساء و من یخرج من بینة مهاجرا با... و رسوله ثم یدرک الموت فقد وقع اجرا علی... و کان... غفورا رحیم به عنوان معلم، ایشان به عنوان کاب اگر حرکت بکنند برای این که روزی حلال به دست بیاورد یا علم خود را به دیگری بیاموزد و به هر نحوی توی جاده تصادف بکند و برود. به عنوان مجاهد فی سبیل... شناخته می شود

و مرگش شهادت است دینها هم مجاهد فی سبیل... است.

یکی دیگر از خصلت های مهمش اینکه: ایران دوست در «حب الرحق من الایمان»

میرزا جوانها را قبل از اینکه وارد رژیم بشوند افراد باسوادی داشت می گفت برای این که شاهنامه بخوانند که وطن دوستی اینها تقویت بشود این نشانه اینکه میرزا یک آدم با فرهنگ بود که این خیلی جالب است. در آن شرایط که ۵ جبهه بود و میرزا یک آدم تشکیلات است. انضباط با وجود یک علم بودنش حتی یک انجمن روحانیون ساخته بود که در اساتذته هست.

در جایی می گویند: «من و یازانم در مشقت های فوق چندین ساله هیچ مقصوری نداشته و نداریم جز حفظ ایران»

جنگها پارتیزانی را امریکای جنوبی می گویند از این ایرانی یا اگر من علت اینکه میرزا هم برای ماخذ انسانیت هم جوانهای باز هم داشت من می دانم که می روم کشته می شوم و بر نمی گردم. سفر روسیه که رفته بوده که هیچی را برای خودش نمی خواسته یک ساعتی بهش هدیه داده بودند تنها سرمایه اش بوده که به خانمش هدیه می دهد و می رود. آخرین دیدارش با خانمش است یعنی آدمی بوده که می خواند برای وطن، به عقیده و مرامش کار بکند و اینکه شهید است یکی اش آیه و من یخرج من بقیه است و دومی اینکه تا آخرین نفس ایستاد

درس دیگه ای که باید در مردم خود را بدانیم و مردم خودمان را آسیب پذیر کنیم همه اینها را باید دقت کنیم. امیدوارم صحبتی که کردم آگاهی بخش باشد. همچنین ویژگی ها بود که میرزا را درون جوانها جا داد و امروز هم یاد و خاطره اش باقی مانده است. خاطره ای مردی که باید واقع بینانه و خوش بینانه و نه بدبینانه بلکه واقع بینانه به آن نگاه بشود.

۱- آرم خدابریستی بوده پس از کسی نمی ترسید با قرآن آشنا بود همیشه این آیه را می خواند و من یتوکل... فهو حسبه یا و من یتق... عقیل و حسن یتقی... را

باید ایران را خوب بشناسیم و باید بدانیم یکی از راههای شناخت جامعه اینست که ما به منابع و مآخذی دسترسی پیدا کنیم که معرفت ما زیاد شود. تاریخ یکی از منابع آدم هاست. هر ملتی که تاریخ خودش را بهتر بشناسد معمولا مقاوم تر هست. قبل از انقلاب خیلی از انقلابیون توی زندان چند نفر را الگوی خودشان گرفته بودند، یکی از الگوهای مقاومت میرزا کوچک خان بود. دلیلش اینکه میرزا کوچک خان جوان بود اولاً ۱۲۵۷- به دنیا آمده بود و در ۱۳۰۰ هم شهید شده

و ۴۳ سال بیشتر عمر نکرده بود. میرزا و آدمهایی مثل او به یک قنلی به یک عقیده ای وابسته بوده که این طور استعداد و راست قامت مانده. زمان شاه کسی جرات نمی کرد اسم میرزا را بیاورد. در آن زمان حتی توی دبیرستانها، دانشگاهها جوانها نمی شناختند میرزا کی است. بعضی خیلی خوش بین بودند و می گفتند یک روحانی ساده که مثلا با استخاره کار می کرد. برخی می گفتند میرزا سوسیالیست خدابریست است بعضی ها می گویند می خواسته خودمختاری درست کند.

علت اینکه مرکز بازشناس را شروع کردیم این بود که این مقدمه ای باشد باییم به بازشناسی خود انقلاب اسلامی هم بپردازیم. جالبه جوانان ما درباره انقلاب اسلامی چیزی نمی دانند. بچه هایی که متولد ۶۰ به بعد هستند درباره ۱۳ آبان یک چیزی شنیده در صورتیکه ۱۳ آبان یک نقطه عطفی در تاریخ ایران هست.

میرزا کوچک خان جزو آزادی خواهان نبود آمد تهران که کمک بکند دید نمی تواند فکر کرد چه بکند. به یاد معلمش افتاد یک معلمی داشت به نام عبدالرحیم خلخالی، میرزا در یک مدرسه خوردی، شیرین جنگل، بیستد نقش معلم و در روح آدمها مؤثر است او گفت که نمی توانیم به مدینه فاضله برسیم. با هدف و نحو و فقه و اصول و شیمی و ریاضیات ما باسواد می شویم اما به مدینه فاضله و مدینه النبی نمی توانیم برسیم. یکی از قوی ترین و معلمش یکی معلم فکری جامعه آن روز سید جمال الدین اسدآبادی بود که هیئت اتحاد اسلام را مطرح کرد، میرزا به فکرش رسید که در ایران این کار را نمی توانیم بکنیم حالا باییم این هیئت اتحاد اسلام را در جنگل تشکیل بدیم. و شروع کرد این کار را و بعد از مدتی چند نفر که استادش بودند آنها را هم به عنوان مفتی های خود گفت تشکیل بی و هم و موفق شد و حدود ۷ سال هم حکومت تشکیل داد اولین جمهوری شورایی را در ایران تشکیل داد. که می خوانید در خور این اساس نامه و مرامنامه خیلی بی سواد نبوده

اما جلسه داشته (کارفرما) به قدری که سه نفر از ایرانیها در سوزان سولیس درس می خواندند. ۱- محمدعلی جمالزاده ۲- ابراهیم پور خوب مطالعه نمی کنند و بعضی هم به آنها حقایق را نمی گویند نمی دانند، ۳- سعدا... خان درویش اینها آنجا هستند درس می خوانند. می گویم وضع ایران این طور چه کنیم می آیند ایران سعدا... پدرش از نزدیکان سهسالار تنکابنی بود، در تنکابن، سرشناس بود ولی به قدری جذب میرزا می شود چون زبان فرانسه می داند، انگلیسی و روسی می رود مترجم او می شود. دیپلماسی، مترجم بوده. به قدری که اعتماد میرزا بوده که اربعه می شود فرمانده میرزا با خانواده اش می آید در جنگل زندگی می کند.

۱- آرم خدابریستی بوده پس از کسی نمی ترسید با قرآن آشنا بود همیشه این آیه را می خواند و من یتوکل... فهو حسبه یا و من یتق... عقیل و حسن یتقی... را



خورشید بر بام شرف

سردار بی سر، ای غرور جنگل گیل
سبز است آواز بلندت از گل گیل

از کوره راه بادیه آید صدایت
چون موج، ما را می برد تا ساحل گیل

اسطوره ای مانا ترین در روزگاران
نامت چراغ روشن هر منزل گیل

گلگونه سیمایت، نداعی می کند باز
مردانگی را در میان جنگل گیل

تاییده بر بام شرف خورشید خونت
گلیاد تو باقی است، باقی بر دل گیل

فرامرز محمدی پور

اسطوره سرخ شجاعت

در وسعت اندیشه خونبار جنگل
از پشت خنجر می خورد سردار جنگل

بر کنده های پیر، زخم تیر پیداست
پوشیده از گلهای خون، دیوار جنگل

در ذهن سبز شاخه ها با خون تداعی
سرهای سرداران شود بر دار جنگل

اسطوره سرخ شجاعت آفرینند
مردان دیگر باز در پیکار جنگل

بوی تر خون کاروان باد آورد
از کوچه های خیس شالیزار جنگل

سرشار از عطر تر بی رنگ باران
خاک و نسیم و شاخه پر بار جنگل

پر می کشد تا کهکشان روشنایی
از کوه ظلمت مرغ آتشخوار جنگل

در انتظار صبح پیروزی است با ما
در سنگر شب دیده بیدار جنگل

نصراالله مردانی



فراخوان

ماهنامه یاد یاران

از تمام پژوهشگران، نویسندگان و فرهیختگان محترم، جهت همکاری دعوت به عمل می‌آورد. علاقمندان می‌توانند آثار خود را به نشانی مجله ارسال یا از طریق شماره ۸۸۳۰۹۲۴۹ دور نگار نمایند.

شایان ذکر است شماره آینده این ماهنامه ویژه شهید نواب صفوی می‌باشد.



YAD-E YARAN

در جنگل عشق شور ایمان گل کرده
گلواژه آیه‌های قرآن گل کرد
از جاری رود خون سردار بزرگ
خورشید ز خون سربداران گل کرد